

رومن رولان

نامارا موتیلووا

ترجمه

قاسم صنعوی

انتشارات دوستان

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Tamara Motylova

Romain Rolland

Progres, Moscou, 1979

سرشناسه	: موتیلووا، تامارا، ۱۹۱۰ م. — Motylova, T. (Tamara)
عنوان و نام پدیدآور	: رومن رولان / تامارا موتیلووا، ترجمه قاسم صنعوی.
مشخصات نشر	: تهران: دوستان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۷۴ ص.
شابک	: 978-964-6207-06-6
وضعیت فهرستویی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Romain Rolland, c1976.
موضوع	: رولان، رومن، ۱۸۶۶-۱۹۴۴.
موضوع	: Rolland, Romain
موضوع	: نویسندگان فرانسوی — قرن ۲۰ — سرگذشتنامه
شناسه داده	: صنعوی، قاسم، ۱۳۱۶ —، مترجم
رده‌بندی	: ۸۲ ر ۹ و PQ۲۶۱۷
رده‌بندی دیویی	: ۸۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۳۸۶۱



اختارات دوستان خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، پلاک ۳۱، تلفن: ۶۶۴۹۲۹۶۲

تامارا موتیلووا

رومن رولان

ترجمه قاسم صنعوی

حروفچینی: شبستری

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

چاپ گشتن

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

www.doostaan.ir

فهرست

۷	یادداشت
۹	پیشگفتار نویسنده
	فصل اول
۱۵	آغاز
	فصل دوم
۶۹	پرواز
	فصل سوم
۱۳۷	معرکه
	فصل چهارم
۱۸۳	جستار جو
	فصل پنجم
۲۷۳	تصمیم
	فصل ششم
۳۴۱	مقاومت

یادداشت

تامارا موتیلووا — نویسندهٔ این اثر، زادهٔ ۱۹۱۰ — نخست در سال ۱۹۳۵ مقاله‌ای کوتاه دربارهٔ رومن رولان در مجلهٔ «انترناسیونالیست کمونیست» به چاپ رساند و از پی آن بررسی‌های متعددی دربارهٔ این نویسندهٔ بزرگ فرانسوی که مورد توجه و علاقهٔ مقام‌ها و محفل‌ها بود، بود نوشت که از جملهٔ آن‌ها تک‌نگاری‌ای موسوم به آثار رومن رولان بود.

کتاب حاضر که نخست در سال ۱۹۶۹ به عنوان مجموعهٔ «زندگی مردان نامی» انتشار یافت به‌منظور آنکه برای خوانندگانی در سطحی گوناگون مفید باشد نوشته شده بود و متن روسی آن که با تیراژ صد هزار نسخه انتشار یافت در اندک‌زمان نایاب شد.

این کتاب که تحول شخصیت رومن رولان و فعالیت‌ها در قبال مسائل اساسی زمان را با تکیه بر نامه‌های او دنبال می‌کرد سال‌ها بعد به زبان فرانسوی هم ترجمه و منتشر شد. ترجمهٔ فرانسوی با توجه به بررسی‌های تازه‌تر بر رومن رولان تهیه شده بود و با متن روسی تفاوت‌هایی داشت. ولی باید تصریح کرد که این تفاوت‌ها در راستای کمال بوده است و متن فرانسوی گذشته از آنکه نسبت به متن روسی بی‌سبب نیستی ندارد، نکته‌های بسیاری را هم که برای نخستین بار مطرح شده دربرمی‌گیرد، دارد. پاریسی نیز با استفاده از متن اخیر (ترجمهٔ فرانسوی) فراهم آمده است.

از تامارا موتیلووا آثار دیگری چون درختش‌های لئو تولستوی (۱۹۵۷)، رمان خارجی معاصر (۱۹۶۶)، میراث رالیسم مدرن (۱۹۷۳) انتشار یافته است.

پیشگفتار نویسنده

این کتاب — زندگی‌نامهٔ رومن رولان برای آن نوشته شد که جزو مجموعهٔ «زندگی مردان نامی» به پیشنهادش ماکسیم گورکی بود و طرحش در سال‌های بعد از جنگ جهانی ریشهٔ تازه بویژه بار یابد.

در سال ۱۹۱۶ گورکی — برخاسته از نویسندگان مشهور روی آورد و به آنان پیشنهاد کرد که شرح‌حالهایی از شخصیت‌های رنگ‌دوران‌های مختلف برای جوانان بنویسند. به رومن رولان هم نوشتن زندگی‌نامهٔ پنهون را پیشنهاد کرد.

گورکی در نامه‌ای طرح خود را چنین کرد: «هدف ما این است که الهام‌بخش عشق و اعتماد به زندگی به نسل جوان باشیم؛ می‌خواهیم از انسان‌ها درس قهرمانی بیاموزیم. باید به انسان فهماند که او خود نیز سازنده و صاحب دنیاست و مسئولیت تمام شوربختی‌های جهان متوجه او می‌شود و افتخار انوشی و غرورهای زندگی نیز به انسان بازمی‌گردد.»

رولان موافقت خود را اعلام داشت: بازی‌ای که گورکی آدمی می‌کرد و شایندش بود. او در مجموعهٔ موسوم به «پیشروان» دو نامه از گورکی را می‌گفت. «ما می‌خواهیم از انسان‌ها قهرمانی بیاموزیم» آثار رولان از ایمان شدید و ایمان، از این اندیشه که آدمی مسئول تمامی حادثه‌هایی است که در کرهٔ خاکی روی می‌دهد. سرشار است.

طرح اولیهٔ گورکی، یعنی مجموعهٔ زندگی‌نامه‌ها، دیری تحقق نیافته ماند. ولی دقیقاً از نامه‌نگاری این دو، دوستی‌ای زاده شد که بیست‌سال — یعنی تا زمان مرگ گورکی — دوام آورد.

در سالیانی که از پی انقلاب اکبر آمدند دو نویسنده، هر یک به گونه‌ای خاص خود از آزمون‌هایی دشوار گذر کردند. اختلاف‌نظرها و بحث‌ها بارها بر روابط آن دو تأثیر نهادند. ولی برای بافراست‌ترین معاصران آن‌ها مسلم بود که اشتیاق‌های خلاق و عقیدتی آن دو متوجه یک نقطه واحد است.

یک اندیشمند بزرگ انقلابی، یعنی آنتونیو گرامشی^۱ اندکی پس از انقلاب ۱۹۱۷ برای نقش اجتماعی رومن رولان در مقایسه با لنین و گورکی، ارج بسیار قائل می‌شد و در «آوردینه نووئو»^۲ ی‌سام اوت ۱۹۱۹ می‌نوشت: «هرچه را که لنین نشان می‌دهد، رولان بیشاپیش حس می‌کند: یعنی ضرورت تاریخی انترناسیونال را، لنین واقعیت علمی اقتصاد سرمایه‌داری بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که پرولتاریا باید قالب دولت نوع جدید، یعنی دولت شوراهای را بپذیرد. از این طرف به دیکتاتوری خود سازمان دهد. رولان به نحوی غنایی و پرشور، توقع از زمان اعلام می‌دارد، بر احساس‌های خواننده اثر می‌گذارد... در شرایطی واقعی که ضرورت گسترش جنبش کارگری بین‌المللی در آن صورت می‌گیرد، رولان به فعالیت بی‌نهایت اندیشمندانه می‌زند. چندان که به دنیای فکری قشرها و گروه‌های نیمه‌پرولتاریایی که در مبارزه طبقاتی را فقط به‌طور غیرمستقیم و کمانه‌ای — با روحیه همدلی نسبت به انقلاب — احساس می‌کنند تحول می‌بخشد. از این لحاظ، رولان به سود کمونیسم، به سهولت کارگر، می‌کوشد و ما نسبت به او احساس حق‌شناسی می‌کنیم. او ما کسیم گورکی را متین است.»

این داوری، کاملاً درست نیست. تصویر راستین رولان را نمی‌توان پیچیده‌تر از این است. همان‌گونه که رفتار او در قبال کمونیسم، که از رافق و گاهی هم عدم توافق ناشی می‌شد در طول زمان متغیرتر از این بود. است. این همه، گاهی گرامشی در حدی که منعکس‌کننده ارزش والایی باشد که اذهانش را برای رولان قائلند، جالب است. این ارزش در مقاله‌ها و گفتارهای نویسنده پیشرو

۱. A. Gramsci، نظریه‌پرداز و رجل سیاسی ایتالیایی، ۱۸۹۱-۱۹۳۷، از بنیانگذاران حزب کمونیست ایتالیا و نماینده مجلس، که در سال ۱۹۲۶ زندانی شد و در زندان هم درگذشت. (م)

فرانسوی و شخصیت‌های ملی فرانسه در ۱۹۶۶، یعنی صدمین سال تولد نویسندهٔ فرانسوی، بازیافته می‌شود.

در آثار او، حتی در صفحه‌های مختلف یک اثرش، چهره‌های متعددی از رولان آشکار می‌شود و خوانندهٔ امروزی گاه به دشواری می‌تواند در آن‌ها راه خود را بیابد. این نویسنده کیست؟ رزمنده‌ای پرشور، فردی دانشمند، یا رؤیایپردازی لطیف طبع و گوشگیر؟

پیشچیدگی زوال‌ناپذیر انسانی یکی از اندیشه‌هایی است که برای رولان گرامی‌اند. کولا برونیون^۱ متذکر می‌شود: «هر انسانی، بیست انسان متفاوت در خود دارد.» این گفته از برخی است‌ها در مورد شخص رومن رولان مصداق می‌یابد.

رولان با آنکه از «انسان‌های متفاوت» یاد کرده است. در سال ۱۹۱۵ به گاستون تیسون^۲ نقاش معروف، «من از سه چیز ساخته شده‌ام: روحی بسیار بااستقامت، جسمی بسیار ضعیف و قلبی مدام دستخوش یک سودا. در چنین شرایطی، دیگ زیر فشار است و کشتی به سمت رولان^۳ می‌خورد؛ ولی بی‌آنکه از مسیر هدف منحرف شود، همواره پیش می‌رود.»

و در خاطرات جوانی‌اش که در پایان زندگی‌اش نوشته شده‌اند، این اعتراف عجیب را می‌یابیم: در «من» برادران توأم به یکدیگر نواری پیچ شده‌اند و هر یک دیگری را جریحه‌دار می‌کند. من متعلق به مبارزه‌ها و من متعلق به فراسوی مبارزه‌ها و بر فراز محرکه‌ها. ولی حق با من نخستین است. هنوز در این سوی نبردها است نسبت به فراسوی دارای حقی نیست. در درجه اول زندگی کن، رنج ببر و انسان باش!^۴

اینجا تضاد بزرگ شخصیت رومن رولان به گونه‌ای بسیار دقیق مشخص شده است. کفهٔ ترازو به سود «من» نخستین سنگینی می‌کند ولی در هر یک از این دو من

1. Colas Breugnot

2. Gaston Thieson

۳. اینجا و از این پس، مترهایی که با یک ستاره مشخص شده‌اند ازجمله سندهای «آرشیو رومن رولان» هستند که با اجازهٔ خانم ماری رومن رولان نقل شده‌اند و استفاده از آن‌ها ممنوع است. (ن)

۴. رومن رولان، خاطرات و بریدهٔ یادداشت‌ها، پاریس، آلبن میشل، ۱۹۵۶، ص ۲۸. (ن)

حدها و اندک تفاوت‌هایی بوده است. از این رو، جز با بررسی جزء به جزء زندگی نویسنده بزرگ نخواهیم توانست به راز این هزارتوها پی ببریم.

رولان از همان دوران جوانی به سیاست، «دنیای اقدام و عمل»، علاقه‌ای شدید که هرگز از آن انصراف نیافت احساس می‌کرد. ولی بیماری ستوه‌آورش او را به ستیزی دائمی کشاند و او از جوانی مطیع و منقاد زندگی‌ای سراسر اعتدال و دارای تمرکز حواس در پشت میز کارش شد. با این همه خطاست که در او فردی تنها و گوشه‌گیر تشخیص دهیم. دوستی، ارتباط با اطرافیان، متنوع‌ترین تماس‌های انسانی، در زندگی او جایگاهی بااهمیت به خود اختصاص می‌دادند. رولان با مردانی متعلق به تمام جنبه‌ها و مکتب‌ها و مکتب‌های گوناگون بسیاری از کشورهای جهان، به‌طور مستقیم، یا از طریق مکاتبات، ارتباط برقرار داشت.

در سال ۱۹۰۰ ده‌ای که از مرگش می‌گذرد خیلی بیش از آنچه در طول زندگی‌اش فراگرفته‌ایم، نگه می‌داریم. توانسته‌ایم شاهد انتشار آثاری زندگی‌نامه‌وار چون سفر دورانی، خاطرات، خاطرات بالآخره یادداشت‌ها و خاطرات و نوعی خلاصه زندگی‌اش تا ۱۹۰۰ باشیم. سایر آثار از یادداشت‌هایش، هرچند بریده‌بریده، به چاپ رسیده‌اند. تا این زمان با بیش از بیست و پنج دفترچه‌های رومن رولان آشنا شده‌ایم. انتشار تازه هر یک از دفترچه‌ها، نمونه‌ای کامل‌تر، و غالباً غیرمنتظره، یکی از وجوه شخصیت رولان را آشکار می‌کند.

به تدریج که با مجموعه بسیار غنی آثار منتشر نشده‌ای که میراث رومن رولان آن را دربرمی‌گیرد آشنا می‌شویم، او هر زمان که در دست ما آشکار می‌شود.

رومن رولان در طول زندگی‌اش ده‌ها هزار نامه نوشته بود. خودش برای این بخش از کارش اهمیت مفرط قائل بود. کافی است در اینجا به این خطاب به

۱. بعداً به تفصیل از دفترچه‌ها یاد خواهد شد. به‌جز دفترچه چهارم یعنی «سفر به ایالت» (Ulm) که شامل یادداشت‌های رومن رولان در دانشسرای عالی است و دفترچه پنجم که شامل لایحه او درباره انحطاط نقاشی ایتالیایی در قرن شانزدهم را دربرمی‌گیرد. این دفترچه‌ها به‌خصوص به مکاتبات او (گاهی نیز همراه با بریده‌هایی از یادداشت‌هایش) اختصاص یافته‌اند و براساس مخاطبان نامه‌ها طبقه‌بندی شده‌اند: نامه‌های او به مادرش، به شارل پیگی (Charles Peguy)، به گاندی و غیره. دفترچه هفدهم، چهره‌ای زیبا از هر جهت و دارای فایده‌ای خاص مجموعه‌ای است از نامه‌های رومن رولان به افراد گوناگون که گسترش روابط انسانی و غنای روحی او را نشان می‌دهد. (ن)

آلفونس دو شاتوبریان^۱ را بیاوریم: «... نامه‌نگاری عظیمی دارم که مرا می‌کشد ولی (بی‌آنکه خود درصدد باشم) شاید آثار اصلی مرا پدید آورد.»^۲ رولان در این نامه‌ها به توده‌ای از موضوع‌های سیاسی، اخلاقی، هنری، گواهی‌های مهم در باب علایق فکری و پیدایش کتاب‌هایش نزدیک می‌شود.

یادداشت‌های رولان، به‌خصوص از لحاظ محتوا غنی هستند. در فرانسه، غیر از یادداشت‌های دوران دانشجویی (۱۸۸۶-۱۸۸۹)، دفترچه‌های پیش از جنگ (۱۹۱۲-۱۹۱۳) و ده‌های جنگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸) که جداگانه به‌چاپ رسیده‌اند، از یادداشت‌های بیرون‌دوران‌های رولان فعلاً جز بریده‌هایی در دسترس کسی، حتی متخصصان، قرار ندارد. بخش نظم‌دهی‌های چاپ‌نشده «میراث رومن رولان» (واقع در آخرین آپارتمان نویسنده در پاریس، با اختتام شماره ۸۹ بولوار مونپارناس^۳ که اکنون بیهوش در آن زندگی می‌کند) در طول پژوهشگران قرار دارد. اینجا باید به من اجازه داده شود که حق‌شناسی عمیق خود را نسبت به خانم ماری رومن رولان ادا کنم، زیرا امکان کار در مورد آرشیو را تنها در سال ۱۹۶۳-۱۹۶۷ (آوریل ۱۹۶۷) او برایم فراهم آورده است و نیز در خلال گفت و شنودهای خصوصی که با او داشته‌ام، توانسته‌ام آگاهی‌هایی با ارزش خاص کسب کنم.

به‌نظر می‌رسد که رولان - حتی هنگامی که با عنوان هنرمند و سپس به‌مثابه روزنامه‌نگار به قله‌های افتخار بین‌المللی نائل شده بود - گذشته از زندگی نویسنده حرفه‌ای که بسیاری کسان از آن آگاهند و در کتاب‌ها و مقاله‌هایش روی می‌نماید - زندگی دیگری داشته که از نگاه عموم پنهان بوده است: زندگی سرشار از اندیشه‌ها، شک‌ها و جست‌وجوها.

سال‌های ۲۰، سال‌های ۳۰، و البته سال‌های جنگ جهانی دوم - با همه تلاشی از تنش‌های درونی، پیچیدگی فزاینده این زندگی مستتر رولان نشان پذیرفته‌اند. در این سال‌ها جاهای خالی وجود دارد که باید روشن شوند.^۴

۱. Alphonse de Chateaubriand، نویسنده فرانسوی، ۱۸۷۷-۱۹۵۱. خواننده توجه دارد که نویسنده معروف کتاب‌های «آتالا» و «رنه» فردی دیگر (فرانسوآ رنه دو شاتوبریان) است. (م)

2. Montparnasse

۳. در سال‌های اخیر در فرانسه دو اثر ارزشمند به‌چاپ رسیده‌اند که هر یک به شیوه خاص خود ←

قصد من آن نیست که در این اثر تحلیل مشروح آثار نویسنده را که پیش‌تر در «آثار رومن رولان» (مسکو، ۱۹۵۹) به آن دست زده‌ام از سر بگیرم، اینجا بیشتر از شخص رومن رولان، از شخصیت او، دل‌بستگی‌هایش، جست‌وجوهایش و تحول درونی دشوارش سخن گفته خواهد شد.

رومن رولان از شرح حال‌های «رمان‌گونه» که در آن‌ها واقعیت‌ها به آمیخته‌ای از فانتزی‌ها افزوده می‌شوند نفرت داشت. آثار خود او راجع به مردان بزرگ شدت در چارچوب امور واقعی و براساس سندها قرار گرفته‌اند. گمان می‌کنم که در مورد خود او نیز باید به همین شیوه نوشت.

→ شناخت ما از رومن رولان را غنی می‌کنند. این دو عبارتند از رسالهٔ دکتری ژان پرو: «رومن رولان و ماکسیم گورکی» و مجموعهٔ «رومن رولان، برگزیدهٔ متن‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی، با مقدمه و یادداشت‌های ژان آلبرتینی».